

## مقررات حاکم بر رسیدگی بزهکاری اطفال

طفل در لغت به معنای کودک و بچه می‌باشد.



طفل در لغت به معنای کودک و بچه می‌باشد. طبع و روحیه خاص اطفال و نوجوانان ایجاب می‌کند که در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، علل بزهکاری و شخصیت آنها به خوبی شناخته شود تا روش و واکنش‌های مناسب برای اصلاح آنها و پیش‌گیری از ارتکاب مجدد جرم اتخاذ گردد. برخورد خشن با این دسته از بزهکاران و توجه نکردن به تفاوت انگیزه‌ها و شخصیت آنان با بزرگسالان ممکن است تأثیری نامطلوب یا حتی معکوس بر روند اصلاح و بازاجتماعی شدن آنان بگذارد و از طفلی که با انگیزه‌های واهی مرتکب اشتباهی شده مجرمی بزرگ بیافریند.

به گزارش «تابناک»؛ کنوانسیون 1989 حقوق کودک در بند سوم ماده 40 خود بیان می‌کند: «دولت عضو در جهت افزایش وضع قانون، اتخاذ شیوه‌های رسیدگی و همچنین ایجاد مراجع و نهادهایی خاص برای اطفال مظنون یا متهم به ارتکاب جرم و یا محکوم تلاش خواهند نمود.»

در قوانین ایران نیز اولین بار قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار مصوب 1338 دادگاه‌های اطفال را ایجاد کرد که به جرایم افراد 6 تا 18 سال رسیدگی می‌کند و در آن حضور دو مشاور که نظر مشورتی به قاضی می‌دادند پیش‌بینی شده بود تسلیم طفل به اولیاء یا سرنوشت آنان اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل، سرزنش و نصیحت بوسیله قاضی دادگاه، اعزام به کانون اصلاح و تربیت از جمله تصمیماتی بود که دادگاه می‌توانست اتخاذ کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال 1378 قانونگذار بار دیگر به لزوم دادرسی متفاوت در مورد اطفال توجه کرد. ماده 219 این قانون بیان می‌کند: «در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می‌شود.» طبق ماده 4 تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب این تخصص از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است: «...تخصیص شعبی از دادگاه‌های حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرایم اطفال با رعایت مصالح مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.»

### صلاحیت شعب ویژه اطفال

تبصره 1 ماده 219 قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی رسیده باشد.» گفتنی است که سن بلوغ شرعی که ملاک مسئولیت کیفری نیز به شمار می‌رود در متون کیفری تعیین نشده تبصره 1 ماده 1210 قانون مدنی سن بلوغ را اینگونه تعیین کرده است: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.»

باید توجه داشت اگر چه تبصره ماده 219 ق.م.ا طفل را تعریف کرده اما صلاحیت دادگاه اطفال منحصر به جرایم افراد غیر بالغ نمی‌شود بلکه به کلیه جرایم افراد بالغ زیر 18 سال نیز مطابق ماده 220 ق.آ.د.ع.ا.ک در دادگاه اطفال ولی طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود.

افزودنی است ملاک صلاحیت دادگاه، سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم می‌باشد و نه در زمان رسیدگی یا صدور حکم. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره 651 مورخ 1379/8/3 بر این امر تأکید کرده است که صلاحیت دادگاه اطفال در رسیدگی به جرایم اطفال عام است یعنی شامل کلیه جرایم ارتكابی اطفال می‌شود مگر آن که به موجب قانون یا آرای وحدت رویه این صلاحیت تخصیص خورده باشد. بنابراین تمام جرایم اطفال غیر بالغ فارق از نوع جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه اطفال است. اما در مورد جرایم افراد بالغ زیر 18 سال رأی وحدت شماره 678 مورخ 1385/3/4 بیان می‌کند: «اگر شخص بالغ زیر 18 سال جرمی را که به لحاظ مجازات در صلاحیت دادگاه کیفری استان است مرتکب شود به جرایم او در دادگاه کیفری استان رسیدگی

در همین جا متذکر می‌شویم که هنگام تعارض صلاحیت بین دادگاه اطفال با دادگاه استان، دادگاه استان مقدم است و در تعارض صلاحیت بین دادگاه اطفال با دادگاه انقلاب دادگاه اطفال مقدم می‌باشد.

در مورد ماده 219 ق.م.ا باید توجه داشت که کلمه «ی» اختصاص به این معنا نیست که دادگاه اطفال دادگاه اختصاصی است بنابراین در صورت اختلاف بین دادگاه اطفال یک حوزه با دادگاه عمومی حوزه دیگر اختلاف بین دادگاه اختصاصی و دادگاه عمومی نمی‌باشد زیرا دادگاه اطفال شعبه «ی» از دادگاه عمومی است. ضمن اینکه صلاحیت بین دادگاه اطفال و سایر شعب صلاحیت ذاتی نیست تا قرار عدم صلاحیت صادر شود، بلکه یک تصمیم اداری است که دادگاه غیر اطفال، با تصمیم اداری (یا نهایتاً قرار امتناع از رسیدگی) پرونده را جهت ارجاع به دادگاه اطفال نزد رئیس حوزه قضایی ارسال می‌کند.

این نکته حایز اهمیت است که طبق ماده 231 ق.آ.د.د.ع.ا.ک «ی» اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه «ی» های عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده «ی» ها به آن شعب نمی‌باشد؛ raquo؛ پس این دادگاه «ی» ها می‌توانند مثلاً در برخی ساعات روز به جرایم اطفال و در برخی دیگر از ساعات همان روز به جرایم بزرگسالان رسیدگی کنند. صلاحیت «ی» های خاصی نیز برای قاضی این دادگاه «ی» ها پیش «ی» بینی نشده و حضور مشاور هم مورد توجه قرار نگرفته است.

#### مقررات حاکم بر رسیدگی بزهکاری اطفال

در قانون آیین دادرسی کیفری در دادگاه «ی» های عمومی و انقلاب بر حسب اینکه فرد بزرگسال باشد یا طفل مقررات جداگانه «ی» ای پیش «ی» بینی شده است و اطفال در برخی زمینه «ی» ها تابع مقرراتی متمایز از مقررات مربوط به بزرگسالان می‌باشد.

#### 1- مرجع تعقیب

پیش از احیای دادرسی ماده 221 ق. آ.د.د.ع.ا.ک مقرر می‌داشت: «ی»؛ در جرایم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب یا تحقیق با رعایت مفاد ماده 43 قانون مذکور توسط دادرس یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق (دادرس علی البدل) انجام می‌گیرد. «ی»؛ با این وجود پس از تشکیل مجدد دادرسی در سال 1381 و واگذاری کلیه «ی» وظایف قضاوت تحقیق به دادرس، تبصره 3 ق.ا.ت.د.ع.ا. انجام تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال را به دادرس واگذار نمود و مقرر داشت «ی»؛ جرایم اطفال مستقیماً در دادگاه «ی» های مربوط مطرح می‌شود؛ raquo;

باید توجه داشت: اشخاص دارای سن 15 تا 18 سال طفل نیستند و ممنوعیت واگذاری تحقیق در جرایم اطفال به ضابطین به شرح مذکور در ماده 221 شامل آنان نمی‌شود؛ مشروط برآنکه جرم ارتكابی از جرایم منافی عفت نباشد. همچنین جرایم مستوجب اعدام این گروه نیز از تحقیقات دادرسی با کیفر خواست به دادگاه کیفری استان ارسال می‌شود. (تبصره یک ماده 219، تبصره ماده 220 و تبصره 4 ق.ت.د.ع.ا. اصلاحی 1381).

#### 2- لزوم حضور ولی یا سرپرست یا وکیل متهم در دادگاه

اصولاً برخورداری از وکیل حق برای متهم است که وی می‌تواند از آن استفاده کرده و یا شخصاً به دفاع از خود بپردازد. تکلیف دادگاه به تعیین وکیل برای متهم که در این حالت وکیل مزبور وکیل تسخیری نامیده می‌شود؛ جنبه «ی» استثنائی داشته و منوط به تقاضای او و عدم توانایی مالی «ی»؛ اش برای استخدام وکیل (م 186 ق.ا.د.د.ع.ا.ک) یا مطرح بودن اتهاماتی است که مجازات آنها در صورت اثبات قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد باشد. (تبصره 1 همان ماده) اما در مورد اطفال وضع به گونه «ی»؛ دیگر است: «ی»؛ در هنگام رسیدگی به جرایم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد؛ raquo;

#### 3- احضار طفل و اخذ تأمین

احضار طفل برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در هر مورد از طریق ولی یا سرپرست او به عمل می‌آید؛ در صورت عدم حضور برابر مقررات این قانون جلب خواهند شد. این امر مانع از احضار و جلب طفل توسط دادگاه نمی‌باشد.

طبق این ماده احضار مستقیم طفل از ابتدا جایز نیست و در صورتی می‌توان وی را جداگانه احضار کرد که ابتدا احضار او از طریق ولی یا سرپرست طفل انجام شده ولی به نتیجه نرسیده باشد. در صورت عدم معرفی طفل توسط ولی یا سرپرست ولی، بعد از احضار مستقیم طفل و در صورت عدم حضور جلب می‌شود. بنابراین جلب طفل نیز باید منحصراً مسیوق به احضار خود طفل باشد، نه احضار ولی یا سرپرست او.

در مورد اتهام‌های اطفال با توجه به ماده 224 ق.آ.د.د.ع.ا.ک و تبصره 1 آن فقط سه قرار تأمین کیفری می‌توان صادر کرد:

1- التزام ولی یا سرپرست قانونی طفل یا شخص دیگری به حاضر کردن طفل در مورد لزوم با تعیین وجه التزام؛

2- سپردن وثیقه مناسب از طرف ولی یا سرپرست طفل یا شخص دیگر؛

3- نگهداری موقت طفل به این ترتیب که در صورتی که نگهداری طفل برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از تبانی نظر به اهمیت جرم ضرورت داشته باشد یا طفل ولی یا سرپرست نداشته یا ولی و سرپرست او حاضر به التزام یا دادن وثیقه نباشند و شخص دیگری هم التزام یا وثیقه ندهد طفل متهم تا صدور رای و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت و در صورت نبودن در محل مناسب دیگری نگهداری می‌شود.

نکات قابل توجه در این ماده یکی استفاده از واژه «می‌تواند»؛ نگهداری؛ است بجای واژه «بازداشت» و دیگری نگهداری او در کانون اصلاح و تربیت است بجای «بازداشتگاه».

4- غیرعلنی بودن رسیدگی حتی نسبت به خود متهم

یکی از اصول مهم تضمین‌کننده یک دادرسی منصفانه در امر کیفری اصل علنی بودن دادرسی است که به دلیل اهمیت و جایگاه والای آن در قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (اصل 165). با این حال در مورد جرایم اطفال، به منظور جلوگیری از قرار گرفتن طفل در کانون توجه عموم، اصل مزبور اجرا نگردیده و خلاف آن مقرر شده است. ماده 225 ق.آ.د.د.ع.ا.ک در این باره می‌گوید: «رسیدگی به جرایم اطفال علنی نخواهد بود»؛ در دادگاه فقط اولیاء و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. ماده 226 نیز ماده قبلی را تکمیل کرده می‌گوید: «در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رای دادگاه حضوری محسوب می‌شود».

تدابیر بعد از صدور حکم:

اجرای حکم نگهداری طفل با کانون اصلاح و تربیت است و اگر در حوزه قضایی دادگاه کانون نباشد به تشخیص دادگاه در محل مناسب دیگری نگهداری می‌شود. همچنین قاعده فراغ دادرسی و قاعده اعتبار امر مختومه در خصوص رسیدگی به جرایم اطفال دچار تحول مثبت شده و مطابق ماده 229 ق.آ.د.د.ع.ا.ک «دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال حسب گزارش‌هایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنان از کانون اصلاح و تربیت دریافت می‌کند می‌تواند در تصمیمات قبلی خود یک بار تجدید نظر نماید، به این طریق که مدت نگهداری را تا یک چهارم تخفیف دهد.» گفتنی است منظور از «یک چهارم» این است که یک ربع از مجازات تخفیف داده شود نه اینکه سه ربع آن کسر شود.

در پایان باید یادآور شد که، مطابق ماده 230 ق.آ.د.د.ع.ا.ک: «آراء دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال برابر مقررات مربوط قابل تجدید نظر می‌باشد».